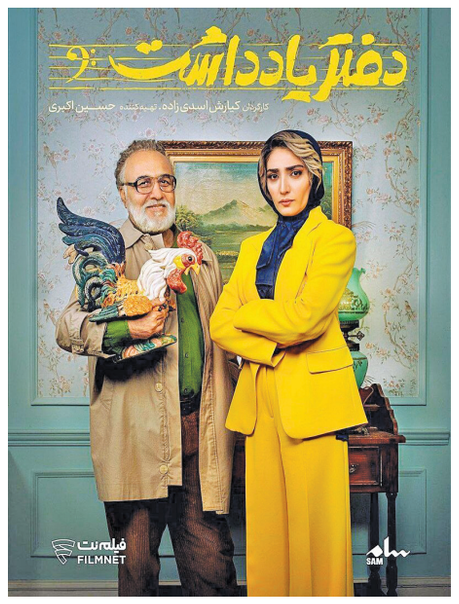

بررسی سهم شادی خانواده‌های ایرانی از شبکه نمایش خانگی

طنز هست اما کم است

فرهنگی

سبد شادی مخاطبان از محتوای تصویری که پیش از این با فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی پر می‌شد، این روزها بیشتر از محصولات شبکه نمایش خانگی تأمین می‌شود و مخاطبان با دنبال کردن اخبار سریال‌های جدید در پلتفرم‌ها به دنبال طنزهایی می‌گردند که اوقات فراغت‌شان را در کنار خانواده با آنها پر کنند و سرگرم شوند. VOD ها هم که از نیاز مخاطبان به کمدی اطلاع دارند سعی می‌کنند فهرست‌شان برای مدت طولانی از سریال‌های طنز خالی نباشد. در فصل جدید نمایش سریال‌ها در پلتفرم‌ها، سه تولید طنز تازه پیش روی مخاطبان قرار دارد.

خنده با شخصیت‌هایی از کف خیابان

پس از موفقیت فصل اول سریال «نیسان آبی» به کارگردانی منوچهر هادی که در مهرماه سال ۱۴۰۰ از پلتفرم فیلیمو پخش شد، حالا یک ماهی است که فصل دوم آن به کارگردانی مسعود اطیابی با داستان و شخصیت‌هایی در ادامه فصل پیشین در حال پخش است.

وجه تمایز داستان نیسان آبی را باید روایت آن از زبان یک نیسان آبی دانست؛ سریالی که داستان آن عمدتاً بر تیپولوژی کاراکترهای حاشیه‌نشین سوار است و موقعیت‌های داستانی هم در بستر روابطی شکل می‌گیرند که در میان این کاراکترها و براساس مشکلات و مسائل حاشیه‌نشینی اتفاق افتاده‌اند.

در سال‌های اخیر تحت تأثیر موفقیت سریال‌های تلویزیونی نظیر «پایتخت» و «نون خ» محتوای سریال‌های کمدی بیشتر به سمت زندگی‌های اجتماعی مردم در قالب‌های خانوادگی و محله‌ای حرکت کرده است. این شکل از داستان‌پردازی به نویسندگان قدرت انعطاف بیشتری برای خلق موقعیت‌های طنز می‌دهد. به علاوه که نزدیکی فضای عمومی سریال به زندگی عامه مردم، فضای آشناتر و صمیمانه‌تری ایجاد می‌کند که احتمال پرمخاطب شدن سریال را بالاتر می‌برد. فصل اول «نیسان آبی» هم با همین ابزار و به واسطه شخصیت‌پردازی از کاراکترهای مأنوسی چون «نیسان آبی»، «جمشید هاشم‌پور» و همچنین تیپ‌هایی نظیر زن خشمگین و شکاک و زن شوهردوست و فداکار به علاوه موضوعات محبوبی چون رفاقت و برادری در کنار نمایش خانواده هسته‌ای و پرجمعیت تا اندازه زیادی توانست رضایت مخاطبان خود را جلب کند.

فصل دوم سریال اما به اندازه قبل با این تیپ‌های از پیش شناخته‌شده برخورد نمکین و طنزپردازانه‌ای ندارد. موقعیت داستانی براساس قتل دختری شکل گرفته که در فصل اول، کاراکتری در حاشیه محسوب می‌شد و ادامه حل این معما قرار است کشش داستانی را ایجاد کند اما موقعیت‌های طنز مانند شوخی با موسیقی در فضای سریال نمونه خوبی از این قاعده است که ستاره نمی‌تواند موفقیت یک فیلم را تضمین کند. حالا با گذشت ۶ قسمت از این سریال فضای تاحدی عجیب و غریب آن بیشتر جاافتاده و جنس طنز آن برای کسانی که دنبال کردنش را به رها کردن آن ترجیح داده‌اند، بیشتر جا افتاده است.

آخرین ساخته اسدی‌زاده، به وضوح ابعاد روانشناختی دارد و خصوصاً در صحنه‌پردازی و طراحی لباس، این وجوه را همراه با رنگ و لعاب ویژه و چشمگیر برای مخاطب ایرانی به رخ می‌کشد.

سریال «دفتر یادداشت» اما به نسبت دو رقیب دیگر خود دست بازتری در شوخی‌های جنسی مستقیم و تلویحی داشته است. شوخی‌هایی که انتظار نمی‌رفت از فیلترهای محتوایی ساترا قابل عبور باشند، این درحالی است که فقدان نظام رده‌بندی جدی، امکان انتخاب یا حتی اطلاع داشتن از محتوای نامناسب را برای پخش در میان کنار اعضای خانواده در اوقات فراغت خانوادگی از مخاطب سلب کرده است.

> هرچند گونه نمایشی طنز در میان مخاطبان ایرانی، محبوب‌تر و آشناتر است اما پس از موفقیت برنامه‌های تلویزیونی «خندوانه» و خصوصاً «دورهمی»، گونه‌های دیگری از نوع استندآپ کمدی و نایت‌شوها و کمدی‌های آخرشبی هم جای خود را در میان مخاطبان باز کرده است

خنده‌های فرهیختگانی

افشین هاشمی در حالی با «داوینچیز» به نماوا برگشته که به تازگی سریال دیگر او «شبکه مخفی زنان» نیز پس از مدت‌ها توقیف دوباره به چرخه نمایش بازگشته است؛ حتی اگر دستخط هاشمی را در آثارش نشناسیم همین دو سریال هم کافی است تا بدانیم هاشمی در آثار جدی خود هم لحنی شوخ‌طبعانه دارد و در عین دارا بودن نوعی فرهیختگی و تلاش برای والایش محتوای طنز خود، سعی می‌کند مخاطب را بخنداند. سریال «شبکه مخفی زنان» البته بیشتر واجد این ویژگی است و هرچند باید آن را بیشتر سریالی در ژانر تاریخی به حساب آورد اما بدون تردید نمی‌توان از ابعاد طنز آن هم چشم پوشید. «داوینچیز» اما سریالی طنز با موقعیتی تخیلی است که در ضمن آن باز هم به روش هاشمی انبوهی از نقدها و اعتراض‌های اجتماعی و سیاسی با زبانی دلسوزانه و طنزآمیز منتقل واگویه می‌شود. موقعیت اصلی داستان را هم می‌توان به نوعی استعاری دانست که مؤید زبان انتقادی و لحن شوخ‌طبعانه سریال است. با این حال «داوینچیز» از آن دست سریال‌هایی نیست که انتظار داشته باشیم پای تماشای آن قهقهه بزنیم؛ بلکه مانند «شبکه مخفی زنان» تا اندازه‌ای دقت و توجه لازم است تا از لابه‌لای دیالوگ‌ها، نکات بیشتری بیرون کشیده شود.

تنها نایت‌شوی استاندارد ایرانی

هرچند گونه نمایشی طنز در میان مخاطبان ایرانی، محبوب‌تر و آشناتر است اما پس از موفقیت برنامه‌های تلویزیونی «خندوانه» و خصوصاً «دورهمی»، گونه‌های دیگری از طنز از نوع استندآپ کمدی و نایت‌شوها و کمدی‌های آخرشبی هم جای خود را در میان مخاطبان باز کرده است. حالا به جرأت می‌توان گفت که برنامه «نیمه شب» امیرحسین قیاسی که پخش آن از فیلیمو آغاز شد و حالا در تماشاخونه ادامه دارد، یکی از استانداردترین و بامزه‌ترین طنزهای VOD ها از این نوع است.

قیاسی که خود بازمانده اکتشافات مسابقه خندانندشو در «خندوانه» است، توانسته ضمن شوخی با اخبار هفته، با مسئولان، مردم، سیاست‌ها و هرچیزی که امکان شوخی دارد، طنز بسازد و در جلب مخاطب خود هم نسبتاً توفیقاتی داشته باشد. «نیمه شب» را باید در کنار «ممیزی» به عنوان قالب غیرنمایشی از جمله موفقیت‌های شبکه نمایش خانگی در عرصه کمدی دانست.

> به نظر می‌رسد فیلم اوپنهایمر همه قابلیت‌های لازم برای درو کردن چندین اسکار را هم دارد که مهم‌ترین آن مجسمه طلایی بهترین فیلم است

معرفی شانس‌داران «اسکار ۲۰۲۴»

از فیلم دراماتیک نولان تا نئووسترن اسکورسیزی

فرهنگی

وصال روحانی
خبرنگار

در فاصله دو ماه و اندی تا اهدای مراسم اسکار ۲۰۲۴ به نظر می‌رسد دو فیلم بیشترین اقبال را برای تصاحب این جوایز از جمله جایزه برترین فیلم داشته باشند؛ «اوپنهایمر» کار دراماتیک و سیاسی اخیر کریستوفر نولان و «باربی» واپسین ساخته گرتا گرویک که دومی یک کمدی - درام است. پیشتازی این دو فیلم در میان صدها فیلم ساخته شده در طول سال ۲۰۲۳ و حدود ۳۰ فیلم که شاخص‌تر از بقیه آثار امسال بوده‌اند، زمانی هویداتر شد که کاندیداهای گلدن گلوب دومین جایزه بزرگ سینمای جهان در دهه سوم آذرماه معرفی شدند. در این میان «باربی» که به دنیای تجارت و مد و فروش هنگفت عروسک‌ها و اسباب بازی‌های ویژه می‌پردازد، به نامزدی در ۹ شاخه از جوایز گلدن گلوب نایل آمد و «اوپنهایمر» که زندگی جی‌رابرت اوپنهایمر خالق و تکوین‌کننده بمب اتمی و جنایات عظیم برخاسته از آن را تشریح می‌کند، ۸ کاندیدا به‌دست آورد. باربی با کاندیدایی‌اش در ۹ شاخه همپا با فیلم «کاباره» (محصول ۱۹۷۲) به دومین رکورددار نامزدی در تاریخ اهدای جوایز گلوب تبدیل شد و البته این فیلم پرفروش‌ترین اثر سینمایی سال رو به پایان (۲۰۲۳) جهان هم بوده است. «اوپنهایمر» هم در جدول پرفروش‌ترین‌های سال در جایگاه سوم قرار دارد و به موفق‌ترین کار تجاری طی دوران تقریباً ۳۰ ساله فیلمسازی کریستوفر نولان تبدیل شده است. با توجه به اینکه در جوایز گلدن گلوب قسمت بهترین فیلم به دو بخش دراماتیک و غیردراماتیک (کمدی یا موزیکال) تقسیم شده، به نظر می‌رسد که هر دو فیلم در قسمت‌های مربوطه اول شوند. با چنین نگاهی «اوپنهایمر» گلدن گلوب بهترین فیلم دراماتیک سال را تصاحب می‌کند و گلوب برترین فیلم غیردراماتیک هم به «باربی» خواهد رسید.

حضور مجدد مدعی همیشگی در جمع شانس‌داران

پیش از به‌وجود آمدن چنین باورهایی، فیلم غیر دراماتیک «چیزهای حقیرانه» (یا «چیزهای کوچک») هم از شانس‌داران اصلی تصاحب اسکار برترین فیلم به حساب می‌آمد ولی اکنون فقط کاندیدا شدنش در این شاخه محرز به‌نظر می‌رسد. به این ترتیب سومین فیلم در رده شانس‌داران را پس از اوپنهایمر و باربی باید «قاتلان ماه کامل» (یا «قاتلان ماه گُل») آخرین ساخته مارتین اسکورسیزی سینماگر مؤلف و مسن امریکایی تلقی کرد که یک کار دراماتیک و تاریخ‌محور و نئوسترنی ویژه است. این فیلم برای رسیدن به مجسمه طلایی بهترین فیلم سال بدون اقبال نیست، اما پیروزی‌های محتمل‌تر آن در برخی شاخه‌های اصلی دیگر خواهد بود. محتمل‌ترین این پیروزی‌ها در شاخه برترین بازیگر زن نقش اول است.

آنجا که لیلی گلداستون با ایفای نقش زن سرخ‌پوست رنج‌کشیده و حق‌طلب به‌رغم به نمایش گذاشتن چهره‌ای سنگی و عاری از هرگونه احساس به اعتماد اکثر ناظران بهترین بازی سال را ارائه داده و پیروزی‌اش در شاخه بهترین بازیگر زن نقش اول محرز است. دو بازیگر اصلی تر و مرد این فیلم البته رابرت دونیرو مسن و مشهور و لئوناردو دی‌کاپریو میانسال و سرشناس هستند که بخت زیادی برای نامزدی اسکار بهترین بازیگر مرد نقش دوم دارند. بواقع از زمان شروع کار فیلمسازی اسکورسیزی و بویژه از ۱۹۷۳ به بعد کمتر سالی بوده که فیلم‌های او در جمع مدعیان اسکار نباشد و در چند شاخه کاندیدا نشود.

انتقال فضای گلوب به اسکار

«اوپنهایمر» که محصول کمپانی یونیورسال پیکچرز است، تقریباً در هر شاخه‌ای که احتمال نامزدی‌اش برای گلدن گلوب وجود داشت، به این مهم نایل آمد و سه شاخه آن مربوط به قسمت‌های بازیگری می‌شود. کیلیان مورفی که نقش اصلی یعنی جی رابرت اوپنهایمر خالق بمب اتمی را بازی می‌کند، نامزد بهترین بازیگر مرد دراماتیک است و امیلی بلانت که نقش همسر او را بازی می‌کند، کاندیدای برترین هنرپیشه زن دراماتیک است و نام رابرت داونی جونیور هم در میان نامزدهای بهترین بازیگران مرد مکمل آمده است.

به نظر می‌رسد این فیلم همه قابلیت‌های لازم برای درو کردن چندین اسکار را هم دارد که مهم‌ترین آن مجسمه طلایی بهترین فیلم است.

در عین حال اگر پیروزی «اوپنهایمر» را در شاخه‌های بهترین فیلم دراماتیک و برترین کارگردانی در جوایز گلوب حتمی بدانیم، مشخص نیست که با توجه به رقابت فشرده در سایر قسمت‌ها، جوایز دیگر به این فیلم برسد ولی اگر «اوپنهایمر» در این زمینه هم موفق باشد، دستاوردهایش در گلوب خواه ناخواه به فضای اسکار هم بسط خواهد یافت.

احتمال‌هایی که بالا و پایین شد

با توزیع جوایز اکثر مجامع سینمایی طی ماه آذر و ۱۵ روز نخست دی‌ماه، میزان مطرح بودن و شانس توفیق برخی فیلم‌ها و هنرمندان نیز در مراسم اسکار بالا و پایین شد و اقبال بعضی‌ها بیشتر از گذشته و شانس برخی نیز کمتر شد. یکی از آنها «منطقه موردنظر» فیلم دراماتیک و تاریخی جاناتان گلیزر است که از زمان سال ۲۰۱۴ مارتین ایمیس با همین نام اقتباس شده است. این فیلم از سوی مجمع منتقدان لس‌آنجلس که از معتبرترین و قدیمی‌ترین نهادهای سینمایی است، به‌عنوان بهترین فیلم سال انتخاب شد و جایزه برترین کارگردانی هم به گلیزر اهدا شد و میکا لروی هم جایزه سراینده برترین موسیقی متن را به‌دست آورد. یک جایزه هم به ساندرا هولر تعلق گرفت که بهترین بازیگر زن سال از سوی این مجمع تلقی شد. دیگر برنده بزرگ جوایز مجمع منتقدان لس‌آنجلس «آناتومی یک سقوط» بود که سه جایزه برد و نامزد چهار گلدن گلوب هم شده و کاندیدا شدنش برای چند اسکار هم قطعی به نظر می‌رسد. البته یک برنده بزرگ دیگر در انتخابات این مجامع سینمایی «قاتلان ماه کامل» بود که مجمع منتقدان نیویورک آن را بهترین فیلم سال شناخت.

سه فهرست از شانس‌داران اصلی

با این توضیحات بد نیست مروری داشته باشیم بر نام تمام فیلم‌هایی که احتمال نامزد شدن‌شان برای تصاحب اسکار برترین فیلم سال مطرح است زیرا هرچه باشد این شاخه همچنان مهم‌ترین قسمت جوایز اسکار و کسب آن برای هر استودیویی یک افتخار است. ۱۰ شانس‌دار اول اوپنهایمر، باربی، قاتلان ماه کامل، چیزهای حقیرانه، جامانده‌ها، رهبر ارکستر (یا «استاد»)، زندگی‌های قبلی، منطقه موردنظر، داستان امریکایی و مه - دسامبر هستند. ۱۰ اقبال‌دار دوم که برخی‌شان ممکن است به قیمت قربانی کردن یک یا چند فیلم فهرست اول به جمع کاندیداهای اسکار برترین فیلم سال بپیوندند، اینها هستند: آناتومی یک سقوط، اسپایدرمن: برفراز دنیای عنکبوتی، هوا، ریشه (یا «اصل»)، فراری، چنگ آهنین، سالت‌برن و طعم چیزهای مختلف. فهرستی حاوی نام شانس‌داران سوم هم وجود دارد که احتمال کاندیدا شدن‌شان برای اسکار برترین فیلم سال اگر چه اندک است اما غیرممکن نیست. همه ما غریب‌ها، ناپلئون، پسرک و هرون، Rustin، توت فرنگی، حافظه، پریسیلا، اتاق معلمان، جامعه برفی و پسران در قایق در این لیست قرار می‌گیرند. با اعلام اسامی نامزدهای اسکار برترین فیلم سال که ۹ یا ۱۰ اثر سینمایی را دربرمی‌گیرد، در روز ۳۰ بهمن بیش از پیش می‌توان سیمای فاتح احتمالی را رؤیت کرد ولی فقط در روز ۲۱ اسفند که تاریخ اهدای این جوایز است، می‌توان فیلم برنده را دور از هر شکی شناخت و در احوالات آن دقیق‌تر شد و دلایل پیروزی‌اش را بازشناسی کرد. سال پیش در نود و پنجمین دوره اسکار جایزه برترین فیلم به کار علمی - تخیلی و حادثه‌ای «همه چیز، همه‌جا به‌طور همزمان» ساخته دانیل کوان و دانیل شینرت تعلق گرفت.

اخبار

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شهادت فرمانده سرافراز جبهه مقاومت را تسلیت گفت

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی شهادت سیدرضی موسوی را تبریک و تسلیت گفت. متن پیام محمدمهدی اسماعیلی به شرح زیر است: «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوالله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا. امروز خبر شهادت پاسدار سرفراز اسلام سید رضی موسوی داغ دل ملت ایران، امت اسلامی و همه دلدادگان آرمان قدس و آزادگان جهان را تازه کرد. سرباز خمینی کبیر و یاور خامنه‌ای حکیم و یار امین شهید قدس در قرارگاه حسین ابن علی علیه‌السلام به فرمانده شهید جبهه مقاومت حاج قاسم عزیز پیوست تا باری دگر ثابت شود راه قدس از کربلا می‌گذرد و شهدا با خون خود این عهد را امضا می‌کنند. ضمن تبریک و تسلیت شهادت فرمانده گمنام جبهه مقاومت سردار رشید اسلام سید رضی عزیز، اطمینان قلبی دارم نصرت با رزمندگان اسلام است و فتح و الفتوح نهایی با نابودی صهیونیست و اقامه نماز وحدت در مسجدالاقصی عزیز نزدیک است. سنصلی فی القدس ان‌شاءالله.»

ارسال ۱۲۵ اثر به دبیرخانه ششمین جایزه پژوهش سال سینمای ایران

مراسم جایزه پژوهش سال سینمای ایران، سه‌شنبه ۱۲ دی‌ماه در تالار رودکی برگزار و از برگزیدگان ششمین دوره‌اش تقدیر خواهد شد. هدف این رویداد تجلیل از پژوهش به معنای دریچه علم و نوآوری، تقدیر از پژوهشگران، ارتقای جایگاه سینما در حوزه تولید و سیاستگذاری و جهت‌دهی مؤلفان است. به فاصله یک هفته به برگزاری این آیین، قادر آشنا معاون توسعه فناوری و مطالعات سازمان سینمایی و دبیر این رویداد در نشست خبری اطلاعاتی درباره کم و کیف آثار این دوره ارائه کرد. در این نشست که دکتر مهدی شفیعی و محمدرضا فرجی نیز حضور داشتند، تعداد آثار ارسال شده به دبیرخانه این دوره از جشنواره ۱۲۵ اثر اعلام شد. محورهای این رویداد سینما، امیدآفرینی و اعتمادسازی، سینمای دین و انقلاب و دفاع مقدس، اشتغال و کارآفرینی، صنعت زیرساخت، سبک زندگی اسلامی، اقتدار و هویت ملی، آینده‌نگری و تمدن نوین اسلامی است. به گفته دبیر این رویداد، آثار امسال نسبت به سال قبل ۳۰ درصد افزایش داشته و ۱۲۵ اثر پژوهشی به دبیرخانه رسید که ۵۲ مقاله، ۳۳ پژوهش، ۲۰ پروپزال، ۱۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۴ پایان نامه دکتری بوده است. از مجموع ۱۲۵ نفر شرکت کننده ۴۶ نفر از بانوان و ۷۹ نفر آقایان بودند. میانگین سنی بانوان ۳۰ سال و آقایان ۳۵ سال بود و ۱۵ درصد شرکت‌کنندگان از شهرستان‌ها و ۸۵ درصد از تهران بود.

دانشگاه تهران، دانشگاه هنر، دانشگاه امام صادق(ع)، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات و دانشگاه کاشان بیشترین مشارکت را داشتند. طبق اطلاعات ارائه شده در این نشست دکتر حسن بلخاری قهی، دکتر محمدرضا حسنایی، دکتر مجید شاه حسینی، دکتر رامتین شهبازی و دکتر توحید محرمی، دکتر مسعود نقاش‌زاده، دکتر بهمن نامور مطلق از استادان حوزه سینما و فرهنگ و هنر داوری آثار رسیده به ششمین دوره جایزه پژوهش سال سینمای ایران را برعهده دارند که سطح آثار را مطلوب ارزیابی کردند.

کنسرت موسیقی آذربایجانی «آلنام» برگزار می‌شود

کنسرت موسیقی آذربایجانی ارکستر «آلنام» به رهبری وحید علی‌پور و به خوانندگی مسعود امیر سپهر و مجید عصری ۲۶ دی ماه در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود. این ارکستر قرار است برای دومین بار در سال جاری در قالب یک کنسرت موسیقی آذربایجانی روی صحنه برود. رهبر ارکستر آلنام وحید علی‌پور و خوانندگان این اجرا مسعود امیرسپهر و مجید عصری هستند.

«وَلَفا» عاشقانه‌ای در زمانه رضاخان

رمان «وَلَفا» نوشته پگاه صراف توسط انتشارات کتابستان منتشر و راهی بازار نشر شد. این کتاب داستان عاشقانه‌ای در زمان حکومت رضاخان در روستایی نزدیک مشهد است. داستان مورد اشاره درون مایه تاریخی و عاشقانه دارد که نویسنده‌اش تلاش کرده در خلال اتفاقات به مسائل اخلاقی و مذهبی بپردازد و با شخصیت‌پردازی فانتزی از تاریخ و واقعیت‌های آن مطالبی را بیان کند. داستان «وَلَفا» از آنجا شروع می‌شود که کار از آدمی و عاقلی گذشته و حالا ولفا دنبال راهی است که به معشوق خود، محمد، عشقش را اعتراف کند؛ معشوقی که بی‌خبر از همه‌جا سرش بوی انقلاب و مشروطه‌خواهی می‌دهد. آیا محمد ولفا را خواهد دید؟ آیا ولفا از عشق آتشین‌اش دست خواهد کشید؟ / مهر